



نگاهی به طرح اصلاح ماده یک قانون تشکیل سازمان نظام روان شناسی و مشاوره کشور

تجمیع نقش ها در یک نهاد آسیب‌زا نیست؟

سامان موحدی‌راد: «با توجه به مرجعیت دینی حوزه‌های علمیه و ضرورت استقلال آن، لازم است صلاحیت‌ اعطای مجوز مشاوره با رویکرد دینی و اسلامی، به صورت مستقل در اختیار مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور قرار گیرد. این مهم با اضافه‌شدن یک تبصره، ذیل ماده ۱ قانون تشکیل سازمان روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران محقق می‌شود ان‌شاءالله»؛ این بخشی از طرح توجیهی «اصلاح ماده یک قانون تشکیل سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور» است که از دو ماه پیش در مجلس شورای اسلامی مطرح شده و این روزها واکنش‌های مراکز علمی کشور را به همراه داشته است. خلاصه این طرح اصلاحی این است که قرار است بر اساس آن «صلاحیت اعطای مجوز مشاوره با رویکرد دینی و اسلامی به صورت مستقل در اختیار مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور قرار گیرد». اما چرا این طرح با واکنش منفی جامعه علمی و دانشگاهی کشور مواجه شده است؟

چه ضرورتی دارد؟

یکی از اولین سؤوال‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که چه

کرده‌اند؟ می‌گویند: «تا اینجا که اساسا معلوم نیست این‌ کار چه ضرورتی دارد، نه‌تنها چنین ضرورتی احساس نمی‌شود، بلکه اجرای این طرح ممکن است آسیب‌زننده نیز باشد؛ چراکه اساسا باید ارزیابی‌ای توسط سازمان حرفه‌ای صورت بگیرد تا بفهمیم یک واحد آموزش‌دهنده نمی‌تواند مجوز هم صادر کند. همچنین دلایل مطرح‌شده در طرح که گفتند ما ۲۵ مرکز داریم، آموزشمان وسیع است و… نیز به‌هیچ‌وجه توجیه‌کننده این نیست که بیایم به یک واحد آموزش‌دهنده اجازه دهیم ارزیابی‌کننده هم باشد. من هیچ دلیل موجهی در توجیه این دوستان ندیدم و بدتر اینکه در اجرای آن آسیب‌های زیادی هم وجود دارد».

بهرور دولتشاهی، عضو هیئت‌مدیره انجمن روان‌درمانی ایران نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره ضرورت مطرح‌شدن چنین موضوعاتی در مجلس می‌گوید: «اصلا مشخص نیست برای چه منظوری این طرح یا این لایحه به مجلس ارائه شده و متأسفانه دیدیم که ۶۹ نفر از نمایندگان مجلس هم این لایحه‌ها را امضا کردند. من معتقدم اگر این اتفاق بیفتد، هم وجهه روحانیت صدمه می‌بیند و هم اینکه حقوق مراجعه‌کنندگان رعایت نمی‌شود و از نظر اخلاق حرفه‌ای، دادن چنین مجوزی به ضرر جامعه و همه مراجعه‌کنندگان است؛ چراکه وقتی نظام آموزش‌دهنده و اعطاکننده مجوز را به یک سازمان می‌دهیم، ممکن است خلط منافع پیش بیاید. درحال‌حاضر چنین نیست و سازمان نظام روان‌شناسی به همه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مختلف مجوز کار می‌دهد، ولی وقتی اینها را یکی کنیم، منافع آنها نیز با هم درگیر می‌شود و منجر به تضییع حقوق مراجعه‌کنندگان می‌شود. مسئله دیگر هم این است که روحانیت قبل از اینکه یک شغل باشد، یک وظیفه دینی است و حق یا تعهدی هم به صرف اینکه یک نفر روحانی باشد، برای او ایجاد نمی‌کند؛ یعنی نمی‌توان به صرف روحانی بودن حق یا تعهدی برای کسب امتیازهای ویژه تخصصی در نظر گرفت. مثلا چون روحانیت در حوزه اقتصاد، پزشکی، روان‌شناسی و… نظر دارد، نمی‌توانیم بگوییم روحانی می‌تواند پزشک، روان‌شناس یا اقتصاددان باشد، بلکه باید مدارح تحصیلی را بگذرانند و از همان مجاری‌ای که افراد دیگر پروانه شغلی می‌گیرند اقدام کند».

مشاوره اسلامی در برابر مشاوره غیراسلامی؟

یکی دیگر از ایرادهای این طرح، آن است که تأکیدش بر مشاوره اسلامی و حوزوی، این انکاره را پدید می‌آورد که آنچه تاکنون در فضای مشاوره روان‌شناسی کشور در جریان بوده از چه جنسی بوده و آیا این خط‌کشی‌ها اساسا درست است؟ حمید پورشریفی، رئیس انجمن روان‌شناسی سلامت ایران، در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره می‌گوید: «یکی دیگر از نقدها به مطرح‌شدن چنین موضوعاتی، جداسازی فضاهاست. در واقع این طرح دارد یک جداسازی بر اساس دینی و غیردینی انجام می‌دهد. وقتی جداسازی بر اساس دینی و غیردینی انجام می‌شود، معنای ضمنی آن این است که اگر اینها صلاحیت ارزیابی دینی و آموزش مشاوره با رویکرد دینی را دارند، یعنی دانشگاه‌ها صلاحیت آموزش روان‌شناسی با رویکرد دینی را ندارند. این به نوعی زیر سؤال بردن صلاحیت دانشگاه‌ها و در مقیاس کلان‌تر سیاست‌های جمهوری اسلامی در دانشگاه‌هاست؛ چراکه تصور ما تا پیش از این آن بود که دانشگاه و حوزه با هم یکی هستند. اما اینجا یک جداسازی و تقدم‌بخشی اتفاق می‌افتد که این تقدم‌بخشی طبیعتا به نفع کل جامعه نیست. به نفع خود آن نهاد هم نیست و همسو با سیاست‌های کلی کشور هم نیست. این هم یکی دیگر از نقدهاست.»

نگرانی بابت ادغام نهادها

طبق قوانین جاری کشور، مراکز دانشگاهی مختلف با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، معنوی و مذهبی کشور به آموزش و تربیت روان‌شناسان در گرایش‌های گوناگون می‌پردازند و در نهایت، دانش‌آموختگان این رشته‌ها بر اساس حوزه‌های فعالیت حرفه‌ای، پروانه فعالیت خود در زمینه روان‌شناسی و مشاوره را از

سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره دریافت می‌کنند. صدور پروانه فعالیت در زمینه روان‌شناسی و مشاوره روان‌شناسی (licensure) فرایندی جدا از آموزش فراگیران است و صرف وجود دوره‌های آموزشی یک رشته در یک سازمان یا مؤسسه آموزشی به معنای آن نیست که این سازمان‌ها و مؤسسات در زمینه صدور پروانه فعالیت نیز ورود کنند. کمااینکه درحال‌حاضر دانشگاه‌های سراسری و آزاد متعددی در سطح کشور در حال تربیت گرایش‌های مختلف روان‌شناسی هستند، اما طبیعتا و منطقا نه خود دانشگاه‌ها و نه حتی وزارت علوم به امر صدور پروانه فعالیت حرفه‌ای وارد نشده‌اند؛ بنابراین صرف وجود دوره‌های دانشگاهی در یک نهاد، توجیه‌کننده این نیست که صدور پروانه فعالیت حرفه‌ای را نیز عهده‌دار شود.

حمید پورشریفی، رئیس انجمن روان‌شناسی سلامت ایران، در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره می‌گوید: حتی اگر فرض بگیریم آموزشی‌که اکنون در حوزه علمیه داده می‌شود، همان آموزشی است که وزارت علوم و وزارت بهداشت تعریف کرده و حتی به شکل بهتر هم انجام می‌شود، باز هم نگرانی‌هایی از جهت ادعای استقلال وجود دارد. مسئله اینجاست که مراکز حوزه علمیه در بهترین شرایط جایی برای تربیت نیروی انسانی هستند و درواقع ادغام اینکه یک مرکز هم نقش تربیت نیروی انسانی را داشته باشد و هم نقش بررسی صلاحیت آن افراد و هم نقش نظارت بر صلاحیت آنها را آسیب‌زننده است. هم به مراجعه‌کنندگان و هم به خود نهادی که درگیر آن مسئله است، آسیب می‌زند. بنابراین اصلی‌ترین نقد واردشده این است که در این طرح وادح برگزارکننده و آموزش‌دهنده تبدیل می‌شوند به واحد احراز صلاحیت و نظارت و ادغام نقش صورت می‌گیرد.

اعتراض ۶ انجمن علمی حوزه سلامت روان

انجمن علمی حوزه سلامت روان هم با انتشار نامه‌ای مشترک نسبت به این طرح اصلاحی اعتراض کردند. در بخشی از این نامه که از سوی شش انجمن علمی «روان‌شناسی سلامت ایران»، «روان‌درمانی ایران»، «روان‌شناسی ایران»، «روان‌پزشکان ایران»، «روان‌پزشکی کودک و نوجوان ایران» و «پزشکی روان‌تنی ایران» تهیه شده، آمده است: «حیطه فعالیت سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره در زمینه صدور پروانه فعالیت حرفه‌ای به روان‌شناسان و مشاوران، حیطه‌ای مستقل از فعالیت‌های ترویجی، آموزشی، تبلیغی و مشاوره‌ای مذهبی و اسلامی روحانیت و حوزه‌های علمیه است و به دلیل سوبرداشت‌ها و تبعات منفی که تبصره پیشنهادشده ایجاد خواهد کرد، مخالفت خود را با این طرح و اضافه‌شدن تبصره مذکور به قانون سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کنیم و تقاضای خارج‌شدن آن از دستور کار مجلس را داریم.»

پیش‌تر هم انجمن روان‌شناسی ایران به این طرح اعتراض کرده بود. در بخشی از متن نامه انجمن روان‌شناسی ایران به رئیس مجلس شورای اسلامی آمده است: «دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مورد تأیید وزارتین علوم و بهداشت، وظیفه تربیت نیروی انسانی و سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره، به‌عنوان سازمان حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران که مصوب مجلس شورای اسلامی است، وظیفه احراز صلاحیت و نظارت بر عملکرد شاغلان در این حرفه را بر عهده دارند. جدابودن مرکز آموزشی از سازمانی که مجوز فعالیت را صادر می‌کند، منای علمی و جهانی داشته و بر صحت و دقت امر می‌افزاید. صرف اینکه یک مرکز آموزشی (در این مورد حوزه علمیه)، بر رویکرد خاصی از روان‌شناسی و مشاوره تمرکز یافته است و یا حتی آموزش را آن‌طورکه در طرح ذکر کرده‌اند، با دقت و وسعت به پیش می‌برند، آن مرکز را مجاز نمی‌سازد که هم‌زمان، علاوه بر نقش تربیت نیروی انسانی، به وظیفه صدور مجوز هم بپردازد؛ نقش‌هایی که تجمیع آنها در یک نهاد، آسیب‌هایی را پدید می‌آورد که برخی از آسیب‌ها حتی ممکن است متوجه خود آن نهاد شود».

وقتی دادگاه برای متهم وکیل می‌گیرد

دادگاه می‌تواند وکیل تعیین کند.

۲- برابر ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری و توجه به تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری تعیین وکیل از مرحله دادرسا آغاز می‌شود و برای اطفال و نوجوانان نیز در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر ملزم به تعیین وکیل هستند.

۳- برابر تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری هر گاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان سلامت، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود، مگر آنکه در جرائم حق‌الناسی، شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هویشاری باشد و در فرض سلامتی نیز نتواند از خود زعفر اتیان کند، در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که طرف مدت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام کند. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتکابی و مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

۴- تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز صراحت دارد که در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی نکند، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند. البته ذکر این نکته ضروری است که در سابق ضرورت تعیین وکیل تسخیری برای متهم فقط بر عهده دادگاه بود اما با تغییرات مندرج در ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری این حق برای متهم به موجب تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مرحله تحقیقاتی مقدماتی نیز تسری یافته و از وظایف بازپرس تلقی می‌شود.

۵- ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز می‌گوید در جرائم موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن و جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود و چنانچه متهم، خود وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است.

۶- برابر ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر و رأی وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۶۳/۶/۲۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نیز ماده‌واحده مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز محاکم مکلفانند در کلیه جرائم مقیده در قانون که مجازات آن اعدام یا حبس ابد است، وکیل تسخیری معین کنند.

شرح وظایف وکیل تسخیری

نخستین وظیفه وکیل تسخیری پیش از دفاع از متهم، مطالعه پرونده و در صورت لزوم گفت‌وگوی حضوری با تلفنی با متهم پرونده است. جمع‌آوری مستندات و ادله به نحوی که بتواند از موکل خود به طور شایسته دفاع کند. با توجه به سوگندی که وکلای دادگستری در احقاق حق یاد کرده‌اند، وظیفه دارند با فراغ‌بال و آسودگی خاطر به دفاع از موکل خود پرداخته و به دور از حواسی درصدد دفاع از حقوق موکل باشند. وکیل تسخیری با حضور در روند دادرسی به مراحل آن نظارت داشته و به اجرای قانون و عدالت کمک می‌کند و باید با راهنمایی‌های علمی و حقوقی خود قاضی دادگاه را در کشف حقیقت یاری کند. شاید در نظر عموم این تصور ایجاد شود که چون وکیل تسخیری حق‌الوکاله یا دستمزدی از موکل خود دریافت نمی‌کند بنابراین دفاع مؤثرتری در پرونده ارجاعی به عمل نمی‌آورد درحالی‌که وکیل تسخیری نیز برابر سوگندی که در ابتدای نائل‌آمن به شغل شریف وکالت یاد کرده همان‌گونه دفاع می‌کند که در عاوی اختیاری انجام می‌دهد. بنابراین وظایف و مسئولیت‌های وکیل تسخیری چیزی کمتر از وکیل تعیینی نبوده و نیست. نکته مهم اینکه کمیسیون وکالت‌های تسخیری کانون وکلای دادگستری مرکز نیز بر وکلای دادگستری تعیینی خود از ابتدای معرفی سه دادگاه تا مرحله صدور حکم نظارت کامل داشته و حتی در راستای نظارت عالیه وکلای تسخیری را مکلف به ارسال لوایح، احکام و نتیجه اقدامات انجام‌شده به کمیسیون تسخیری کانون وکلای دادگستری مرکز می‌کند.

• **وکیل پایه یک دادگستری و عضو کمیسیون تسخیری کانون وکلای دادگستری مرکز**

مشترکین همراه اول، شما می‌توانید

با پرداخت

روزانه ۳۰۰ تومان معادل **یک بادکنک** در ماه

وساخت بزرگترین بیمارستان

فوق تخصص کودکان

ناجی معصومترین مخلوقات خدا باشید

با شماره گیری #۵۴۰* و انتخاب گزینه ۱

در این عمل نیک، ماندگار شوید

www.zanjirehomid.com
instagram: @zanjirehomid

آدرس : میدان تجریش ، خیابان فناخسرو ، پلاک ۳۱
شماره تماس : ۰۲۱۳۷۲۷۸۱۱

شماره کارت بانک پاسارگاد ۰۶۰۰۰۱۶۲۲۰۲۹۷۰۰۰۰۵۰۲۲



حبیب‌اله میرزااحسنی

برابر اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند. در حال حاضر این امر در فرایند رسیدگی قضائی رعایت شده و دادگاه‌ها این حق را محترم می‌شمارند. افراد نیز آزادانه حق استفاده از وکیل دادگستری را دارند، اما در بعضی موارد از جمله ناتوانی طرفین دعوا در انتخاب وکیل، قانون این اختیار را به محاکم قضائی داده است که برای متهم وکیل تعیین کنند تا در روند رسیدگی پرونده به قضات در کشف حقیقت و دادرسی عادلانه کمک کرده و از اشتباهات احتمالی جلوگیری کنند. برابر قانون، حضور وکیل متهم در جرائمی که مستوجب قصاص نفس، اعدام، حبس ابد و… است، اجباری و الزامی بوده و از تکالیف مهم محاکم قضائی است تا در چنین جرائمی برای متهمی که توانایی اختیار وکیل دادگستری را ندارد، وکیل تسخیری معرفی کنند. وکالت تسخیری وکالتی است که از طرف دادگاه به‌صورت مستقیم یا از طریق کمیسیون تسخیری کانون وکلای دادگستری در امور کیفری برای دفاع از متهم به وکلا ارجاع داده می‌شود. حق‌الوکاله وکیل تسخیری در حال حاضر به موجب آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله، حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری (۹۸/۷/۲۱) دو برابر حداقل تعرفه در آیین‌نامه تعیین‌شده است که در این خصوص نیز موضوع میزان حق‌الوکاله قابل تفسیر بوده چراکه چنانچه درخصوص موضوع به حداقل تعرفه در آیین‌نامه قائل باشیم، حق‌الوکاله وکیل تسخیری چهار میلیون ریال بوده و چنانچه به حداقل حق‌الوکاله درخصوص بخش اللف بند یک، دو و سه ماده ۱۴ و بخش ب بند یک، دو و سه آیین‌نامه قائل باشیم، حق‌الوکاله وکیل تسخیری حداقل بین چهار میلیون ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال خواهد بود که البته میزان حق‌الوکاله وکیل تسخیری از سوی کمیسیون تسخیری کانون وکلای دادگستری مرکز تفسیر دوم برداشت می‌شود و همچنین لازم به ذکر است که اداره کل بودجه و تشکیلات قوه قضائیه همه‌ساله باید اعتبار مورد نیاز حق‌الوکاله وکالت‌های تسخیری و معاضدتی را که توسط کانون وکلای دادگستری مرکز و مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلای و کارشناسان قوه قضائیه صورت گرفته، برآورده کند و خوشبختانه این موضوع با پیگیری‌های هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز و کمیسیون تسخیری کانون وکلای دادگستری مرکز در قانون بودجه پیش‌بینی شد.

مستندات قانونی حضور وکیل تسخیری در محاکم

۱- برابر ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری متهم می‌تواند تا پایان نخستین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز ناتوانی مالی متقاضی، از بین وکلای حوزه قضائی و در صورت نبود امکان، از نزدیک‌ترین حوزه قضائی برای متهم وکیل تعیین می‌کند. در صورتی که وکیل درخواست حق‌الوکاله کند، دادگاه حق‌الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام‌شده تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق‌الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق‌الوکاله از محل اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود که در این گونه موارد غالبا محاکم از کمیسیون تسخیری کانون وکلای هر استان تقاضای وکیل تسخیری می‌کنند. در قانون نیز محل پرداخت دستمزد و حق‌الوکاله وکلای تسخیری به شرحی که قبلا گفته شد، مشخص می‌شود و با لحاظ آن در بودجه باید پرداخت شود؛ البته با توجه به اینکه به موجب این ماده وکیل حق درخواست حق‌الوکاله را دارد، جا داشت قانون‌گذار با قید کلمه وکیل معاضدتی، پرداخت حق‌الوکاله را بر عهده متهم یا شاکلی قرار می‌داد تا این موضوع قابل تسری به تمامی جرائم نمی‌شد و کماکان اختیار وکیل تسخیری با محدودیت و فقط در جرائم خاص میسر می‌شد. یکی از ابداعات جدید نیز که در راستای جلوگیری از تضییع حقوق بزده‌نده در قانون پیش‌بینی شده، تبصره ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری است که برای شاکلی (زده‌نده) فاقد تمکن مالی نیز